

بررسی پاره‌ای از آزمون‌های ازدواج در متون حماسی ایران

مهرناز فیروزمند^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۴

جهانبخش سبزیلیپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۶

احمدرضا نظری چروده^۳شهریار حسن زاده^۴

چکیده

در متون کهن حماسی، آیین‌هایی گزارش شده‌است که با بررسی و مقایسه آنها می‌توان به همانندی‌های بسیار بین آیین‌های سراسر دنیا دست یافت. رسیدن به مرحله بلوغ و ازدواج، با آیین‌هایی همراه است که در آن آزمون‌های خاصی اجرا می‌شوند. یکی از آنها، آزمون ازدواج است. در این آزمون از جوان خواستگار خواسته می‌شود، برای اثبات شجاعت، خرد، توانایی جسمانی و سایر هنرهای خود در آزمون‌هایی شرکت کند، اگر موفق به عبور از آنها شود، می‌تواند با دختر دلخواه خود ازدواج نماید. این پژوهش به بررسی آزمون‌های قبل از ازدواج در متون حماسی بعد از شاهنامه می‌پردازد. در این متون حماسی، آزمون‌هایی همچون برداشتن دختر از روی زین، محکم نشستن روی فرش، کمان‌کشی، گذر از هفت‌خان، چوگان‌باختن، شکست دادن دشمن یا پهلوانی بیگانه و کشتن اژدها گزارش شده‌است. آزمون‌های قبل از ازدواج در این پژوهش بر منبای آرای اسطوره‌شناسانی همچون الیاده و فریزر بررسی شده‌اند.

واژگان کلیدی: آزمون ازدواج، متون کهن حماسی، آیین گذر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

Mfiroozmad1356@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

sabzalipor@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

Acharvadeh@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

Sha_hasanzadeh@yahoo.com

یکی از ویژگی‌های عصر جدید، از بین رفتن بسیاری از آداب و رسوم و نیز تنوع‌های فرهنگی است. روزی در بین جوامع مختلف سراسر جهان خرده‌فرهنگ‌های بسیاری وجود داشت، امروزه اغلبشان از بین رفته و فقط گزارش‌هایی از آن‌ها باقی مانده‌است. یکی از این‌ها، آیین «تشرّف» «آشناسازی» و «گذر» است. در این آیین برای رسیدن از یک مرحله زندگی به مرحله بعد، مجموعه اعمالی انجام می‌شود، تا شخص گذرکننده، آماده ورود به مرحله بعدی زندگی شود. به‌عنوان مثال، آیین‌های و اعمالی که برای نوزادان و کودکان انجام می‌شود، جشن بلوغ، غسل تعمید در مسیحیت، ازدواج، مراسم تشییع جنازه، مرگ و ... از آیین‌های گذر محسوب می‌شوند. اگر مهم‌ترین رویدادهای زندگی انسان را شامل سه مرحله اصلی: تولد، ازدواج و مرگ بدانیم، متوجه خواهیم شد که برای این سه مرحله، آیین‌های بسیاری در سراسر جهان ثبت شده‌است. آیین ازدواج و مراسم مختلف آن تحت‌عنوان وصلت و عروسی از جمله آیین‌هایی است که در آن دو جوان (دختر و پسر) همراه با اجرای آیین‌های خاص به مرحله دیگر از زندگی خود هدایت می‌شوند. این آیین‌ها از زمان‌های بسیار دور به یادگار مانده‌اند و تحت‌شرایط خاصی همواره برپا شده‌اند و تلاش بسیاری در برپایی درست آن صورت گرفته‌است. آیین تشرّف در جوامع سنتی از اهمیت خاصی برخوردار بود، این آیین امروز بسیار کم‌رنگ شده ولی در متون کهن، نشانه‌های فراوانی از این آیین به یادگار مانده است. بازخوانی متون مختلف به‌جامانده از روزگاران کهن، به‌ویژه متون و داستان‌های حماسی، در امر یافتن تکه‌های گم‌شده آداب و رسوم هر منطقه یا هر قوم کمک فراوانی می‌کند. با استخراج شواهدی از این آیین متوجه خواهیم شد که در دوره‌های گذشته چه چیزی در بین ایرانیان مرسوم بوده و چگونه آیین‌ها گذر اجرا می‌شده است. گرچه دست‌یابی به تمام بخش‌های یک آیین از لابلای متون، همواره با موفقیت همراه نیست، اما موفقیت اندک نیز در این زمینه خود موفقیت بزرگی خواهد بود؛ چرا که نشان خواهد داد که آنچه تحت‌عنوان «آیین‌های گذر» در سراسر جهان گزارش شده، در بین ایرانیان نیز اجرا می‌شده‌است و این خود دلیلی بر جنبه جهانی بعضی از این مراسم‌ها است. به‌عبارتی دیگر، همان‌گونه که در بحث زبان، مجموعه قواعدی وجود دارند که تحت‌عنوان «جهانی‌های زبان»^۱ توسط نوآم چامسکی^۲ مطرح می‌شوند، در مورد آیین‌های ابتدایی نیز وضع چنین است، یعنی تعدادی از آیین‌ها در سراسر جهان اجرا شده‌اند، اما در شکل اجرا، در جزئیات اندکی با هم تفاوت دارند.

پرسش اصلی این مقاله این است که چه آزمون‌هایی برای ورود به مرحله ازدواج در متون حماسی بعد از شاهنامه فردوسی گزارش شده‌است؟ منظور از آزمون‌های قبل از ازدواج مجموعه آزمون‌هایی که اغلب برای شخص / اشخاصی مطرح می‌شود تا با پشت سر آن بتواند نشان دهد که اهلیت ازدواج را دارد. متون حماسی بررسی شده در این پژوهش عبارتند از: شهریارنامه، برزنامه، فرامرزننامه، بانوگشسپ‌نامه، گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه. در مواردی نیز آزمون‌های در این پژوهش بررسی شده که

^۱ -Language Universals

^۲ - Noam Chomsky

در خود متون مذکور نیامده ولی در منابع دیگر بدان اشاره شده است. به عنوان نمونه، در *طومار نقالی هفت لشکر*، برای خواستگاران بانوگشسپ آزمون کمان کشی برگزار می شود ولی در خود *بانوگشسپ نامه*، به این امر اشاره ای نشده است.

۲- پیشینه بحث

مردم شناسی، جامعه شناسی و علوم اجتماعی امروزه از برکت تحقیق های فراوانی که در سرتاسر جهان انجام شده، به یافته هایی رسیده اند که راهگشای بسیاری از جنبه های مجهول وجود بشری است. روزگاری اعمال و حرکات گزارش شده در سرتاسر جهان، جنبه های مجهول زیادی برای ما داشت، به عنوان مثال، در قرن پانزدهم میلادی، اگر عده ای شمنیسم^۳ دور دایره ای می نشستند و بر طبلی آرام می کوبیدند، شاید تفسیرش برای ما کمی سخت بود، اما امروزه از برکت مردم شناسی تمام یا اغلب این آیین ها رمزگشایی شده و محققان متوجه شده اند که هر کدام از این حرکات به انگیزه خاصی انجام می شده است و انگیزه شمن ها هم استمداد از روح کس یا کسانی برای درمان بیماران خود بوده است.

در نیمه دوم قرن نوزدهم مردم شناسی شکل جدی به خود گرفت. این علم اغلب در انگلستان، فرانسه و آمریکا پا گرفت. گرچه در آغاز هدف از مردم شناسی، شناخت اقوام مختلف کشورها برای تسلط و استعمار آنها بود، اما بعدها رشد سریع این علوم باعث شد، بشر به شناخت فراوانی در این زمینه دست پیدا کند. لوی استراوس^۴ مردم شناس فرانسوی یکی از اینهاست که آثار زیادی (استراوس، ۱۳۹۷، ۱۳۹۰، ۱۳۷۶) در این زمینه نوشته است. فرانز بوآس^۵، مارگارت مید^۶ از دیگر کسانی هستند که در این زمینه به نتایجی رسیدند. جیمز جورج فریزر^۷ انگلیسی در شاخه زرین (۱۳۸۲) که حول محور اسطوره، دین و جادو می چرخد، نشان داد که حرف های بسیاری در این زمینه دارد.

میرچا الیاده^۸ دین پژوه و اسطوره شناس رومانیایی، در این زمینه آثار مختلفی نوشته است. آنچه در این مقاله بحث می شود، بر منبای نظریات الیاده در مقدس و نامقدس (۱۳۷۵) و نیز آیین ها و نمادهای تشریف، اسرار تولد و تولد دوباره (۱۳۹۲) است. در بخش مبانی نظری، نظریات الیاده بیشتر بحث خواهد شد.

در ایران نیز تحقیقات بسیاری در زمینه آیین های گذر انجام شده است. اسدیان (۱۳۸۴) در کتاب آیین های گذر در ایران، بررسی تطبیقی آیین های ایرانی در حوزه های فرهنگی و جغرافیایی، به تعدادی از این آیین ها از جمله آیین های تولد، بلوغ و مرگ پرداخته است. توسلی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی آیین های گذر در ایران و هند، مطالعه موردی تولد و مرگ» به این نتیجه رسیده است که «علیرغم وجود مرزها و دوری راهها، چقدر مشابهت در طرز رفتار و کردار آنها وجود دارد. در نگاه

^۳ - Shamanism

^۴ - Claude Levi-Strauss

^۵ - Franz Uri Boas

^۶ - Margaret Mead

^۷ - James George Frazer

^۸ - Mircea Eliade

به مقوله مهم مرگ که تحول اساسی در زندگی انسان‌ها است، به مهم‌ترین نکته انتقال روح در طرز تفکر هندی رسیدیم که از ملزومات اعتقاد به هندوئیسم است» (توسلی، ۱۳۹۵: ۲۲).

حسینی و بهمنی (۱۳۹۴) در مقاله «زمینه‌های برون‌همسری در ایران باستان براساس شاهنامه فردوسی» نشان دادند که شهریاران و پهلوانان شاهنامه، به منظور یافتن همسری همسان، یا رسیدن به اهداف شخصی یا به دلیل مصلحت‌های سیاسی اقدام به گزینش همسر در خارج از مرزهای ایران کرده‌اند. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت که برون‌همسری در ایران باستان نه تنها یک الگوی رایج ازدواج بوده، بلکه می‌توان آن را یک سنت دیرینه دانست که قدمت هزارساله دارد.

خوارزمی (۱۳۹۴) در مقاله «یکی از ژرف‌ساخت‌های آزمون همسرگزینی در حماسه ملی و بن مایه برون همسری» یکی از دلایل ازدواج برون همسری قهرمانان را یافتن راهی برای نفوذ بر بیگانگان دانسته و راه حلش را آزمون‌هایی دانسته است که قهرمان پشت سر می‌گذارند، خوارزمی در این پژوهش تعدادی از این آزمون‌های را در شاهنامه بررسی کرده است.

ورزقانی (۱۳۸۵) در مقاله «بازتاب آیین راه‌ورسم‌آموزی جوامع باستانی در فرهنگ کهن ایران»، به بررسی بازتاب آیین راه و رسم‌آموزی یا تشریف جوامع باستانی در روایات اساطیری، داستان‌های حماسی و فرهنگ عامه ایران پرداخته و گزارشی از آیین رازآموزی پسران نوبالغ و مناسک پاگشایی دوشیزگان نابرنای جامعه ارائه می‌کند.

جهازی (۱۳۹۸) در فصل چهارم کتاب آئین‌ها و نمادهای تشریف و رازورزی در افسانه‌های ایرانی، الگوهای تشریف؛ و در فصل ششم همان کتاب، آیین‌های گذار را در افسانه‌های ایرانی را بررسی کرده است.

آیدنلو (۱۳۸۷) در مقاله «چند بن‌مایه و آیین مهم «ازدواج» در ادب حماسی ایران (با ذکر و بررسی نمونه‌های تطبیقی)» در هشت بخش به ذکر و بررسی مسایلی در مورد ازدواج در ادب حماسی ایران پرداخته و برای آزمون قبل از ازدواج هم نمونه‌هایی از شاهنامه و دیگر متون آورده است.

نصیری - طغیانی (۱۳۹۹) در «بررسی و تحلیل نمود مراسم آشناسازی در حماسه برزنامه» تلاش کرده‌اند، به آشناسازی در این منظومه بپردازند. ایشان در این تحقیق به آیین‌هایی که برای ورود به طبقه جنگاوران و سپاهیان است، اشاره کرده‌اند و به آیین‌های دوره بلوغ و ازدواج اشاره‌ای نکرده‌اند.

در این مقاله فقط آزمون‌های قبل از ازدواج در متون حماسی بعد از شاهنامه بررسی شده است. تاجایی که بر نگارندگان این پژوهش آشکار شده، این آزمون‌ها به طور مستقل پژوهی بررسی نشده‌اند.

۳- مبانی نظری آیین گذار و تشریف

مردم‌شناسان آیین‌های مختلفی را در سراسر جوامع باستانی گزارش داده‌اند که متناسب با زمان‌های مختلف در طول سال با دقت هر چه بیشتر اجرا می‌شد و تا قبل از ظهور عصر جدید نیز همچنان رایج بود ولی با ظهور عصر جدید تعداد بسیاری از این

آیین‌ها به فراموشی سپرده شدند. یکی از این آیین‌ها، آیینی تحت عناوین «تشریف»، «گذر»، «آشناسازی» و «راه و رسم‌آموزی» است.

آیین گذر ۹ یکی از مهم‌ترین آیین‌های جوامع باستانی است که در آن تلاش می‌شود با همکاری عاطفی گروهی از خانواده و قبیله، افراد دوره‌های مختلف زندگی را یکی پس از دیگری بگذرانند. آماده‌سازی برای ورود به دوره بلوغ (قس). جشن‌های بلوغ در ایران، آماده‌سازی برای همسرگزینی و ازدواج از آیین‌های گذر محسوب می‌شود. در این مجال از بین تمام نظرات مردم‌شناسان، فقط نظر از الیاده و فریزر نقل می‌شود.

تشریف «بر مجموعه‌ای از مراسم و مناسک و آموزش‌های شفاهی دلالت دارد که هدفشان ایجاد تغییر و تحولی قاطع و تعیین‌کننده در وضعیت دینی و اجتماعی آن فرد است که رازآمخته یا مشرف می‌شود. با تعبیر فلسفی، رازآموزی و تشریف معادل است با تغییری اساسی در وضعیت وجودی شخص. فرد نوآموز با موهبت هستی کاملاً متفاوتی از آنچه قبل از مراسم تشریف داشت از آزمایش دشوار بیرون می‌آید؛ او به فرد دیگری تبدیل شده است» (الیاده، ۱۳۹۲: ۸).

الیاده معتقد است، وقتی کودک متولد می‌شود، «او فقط دارای یک وجود طبیعی است: نه هنوز خانواده‌اش به رسمیت شناخته و نه جامه او را پذیرفته، این آیین‌های بی‌درنگ اجرا شده پس از تولد است که به کودک وضع «شخص زنده» حقیقی می‌بخشد، فقط بر حسب این آیین‌هاست که در جامعه زنده وارد شده‌است. در ازدواج نیز گذر از یک گروه اجتماعی-مذهبی به دیگر گروه وجود دارد. شوهر جوان گروه مجردان را ترک می‌کند و از آن پس جزئی از گروه سالارهای (رؤسای) خانواده‌ها می‌شود. هر ازدواجی بر فشار و خطری دلالت دارد و از این رو بحرانی را به سرعت تسریع می‌کند، به این علت است که با آیین گذر اجرا شده‌است (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۳۷).

طبق نظر فریزر در جوامع کهن زمانی که موعد ازدواج دختر فرا برسد، خود دختر یا پدر او برای آزمودن خردمندی، زور بازو و توانایی‌های دیگر جسمی او، برایش آزمونی فراهم می‌کردند، اگر آن جوان یا جوانان، از عهده آزمون برمی‌آمدند، می‌توانستند با دختر مورد بحث ازدواج کنند. به عنوان مثال در قرقیزستان عروس با تازیانه‌ای در دست، بر اسبی سوار می‌شود و همه مردان جوانی که خواستگار او هستند، به تعقیب او می‌پردازند. عروس مال کسی خواهد بود که بتواند او را بگیرد. یا در آسیای شمال شرقی دختر یا عروس آینده باید از محلی که پر از چادر است، بگذرد و گرفتار هیچ یک از خواستگاران نشود. زنان قبیله انواع موانع را بر سر راه مرد قرار می‌دهند، مثلاً به تله‌اش می‌اندازند یا تازیانه‌اش می‌زنند تا خواستگاران بخت اندکی برای موفقیت داشته باشند، یا آنکه دختر بخواهد خود را به او تسلیم کند. (فریزر، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

چنان که در دو مورد فوق مشاهده شد، در نواحی مختلف جهان آیین‌های مختلفی برای گذر از دوره تجرد، به دوره تاهل گزارش شده‌است. هر چقدر آیین‌های گزارش شده، کهن باشند، یا به جامعه باستانی تعلق داشته باشند، تفسیر اسطوره‌شناختی آن‌ها

آسان تر خواهد بود، چرا که تغییرات کمتری در آن‌ها ایجاد شده و بکرتر هستند. با فاصله گرفتن از جوامع کهن، آیین‌ها خلوص خود را از دست می‌دهند، گرچه به شکل‌های مختلف دیگری قابل ردیابی هستند.

برای این که کودک از جنبهٔ صرفاً طبیعی خود خارج شود، به پاره‌ای از اعمال و مناسک نیاز دارد. این گونه از اعمال، مختص یک برهه از زمان و زندگی انسان نیستند، انسان همواره برای ورود به مرحلهٔ دیگر، به یک سلسله اعمالی گروهی نیازمند است. انسان هرگز و در هیچ دوره از زندگی خود، بی‌نیاز از آیین‌های گذر نخواهد بود، از لحظهٔ تولد که کودک دورهٔ گذر از جنینی را با ورود به دنیای تازه آغاز می‌کند، تا لحظهٔ مرگ و حتی مدت‌ها بعد از مرگ با برگزاری مراسمی همچون چهلم، سالگرد و ... با مسألهٔ زمان روبروست. در اندیشهٔ ییاده، آنچه زمان را مقدس می‌کند، تکرار مجموعه اعمالی است که در سراسر زندگی‌اش او را در بر گرفته‌است. الیاده در «اسطورهٔ بازگشت جاودانه» و نیز در «مقدس و نامقدس» در پی اثبات این نکته است، «اعمال آدمی نیز فقط به میزانی که کردارهای آغازین خلقت را تکرار کند، از اعتبار و واقعیت برخوردار می‌شوند» (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۹).

به نظر الیاده زمان مقدس و اساطیری برخلاف زمان تاریخی، کاستی‌ناپذیر است چون لحظه‌ای است که فعل الهی خلقت، ضمن آن به‌وقوع پیوسته است و نمونه‌های ازلی و کردارهای بغانه در آن زمان مقدس شکل گرفته است، اما زمان تاریخی برگشت‌ناپذیر است و در خط مستقیم سیر می‌کند: «آدمی فقط به تکرار خلقت مشغول است. گاهشماری مذهبی او در طول یک سال، تمامی مراحل تکوین عالم را که در روز ازل روی داده‌است به طور تمثیلی تکرار کرده‌است. خاطرهٔ آن را ضمن جشن‌ها و اعیاد زنده نگه می‌دارد. سال مذهبی در واقع عمل خلقت عالم را به طور مستمر تکرار می‌کند» (الیاده، ۱۳۸۴: ۳۶ و نیز ر.ک هینلز، ۱۳۶۸ و نیز کراسنولسکا، ۱۳۸۲).

فریزر در شاخه زرین آورده است: «از بررسی جشن‌های بهاری و تابستانی اروپا می‌توان دریافت که نیاکان بدوی ما نیروهای رویش را به صورت نر و ماده مجسم می‌کردند و بر اساس جادوی هومیوپاتیک یا تقلیدی می‌کوشیدند درختان و نباتات را با تجسم ازدواج خداواره‌های جنگلی در وجود شاه و ملکه ماه مه، عروس و داماد یکشنبهٔ سفید و از این قبیل سرعت بخشند. این‌ها افسون‌هایی بودند برای رویاندن جنگل، سرزدن گیاهان سرسبز و تازه، جوانه زدن غلات و شکفتن گلها» (فریزر، ۱۳۸۲: ۱۸۰ و نیز ر.ک همان: ۶۵۷ به بعد).

در ادامه فریزر می‌افزاید که در نمایش‌های عظیمی که در الیوسیسی برگزار می‌شده: «وصلت زئوس خدای آسمان با دیمتر الهه غلات (ر.ک روزنبرگ، ۱۳۸۰: ۴۴) گویا با وصلت کاهن بزرگ و کاهنه دیمتر در نقش خدا و زن خدا به نمایش درمی‌آید. اما آمیزششان فقط جنبهٔ نمایشی یا نمادین داشت، زیرا کاهن بزرگ خود را با استعمال شوکران موقتاً از مردی می‌انداخت. در حالی که چراغ‌ها خاموش شده بود، زوج به تاریک جایی فرو می‌رفتند و نیایشگران با دلهره‌ای فراوان نتیجه این مجامعت رمزی را انتظار می‌کشیدند. زیرا نجات خود را بسته بدان می‌دانستند. پس از مدتی کاهن بزرگ دوباره ظاهر می‌شد و در روشنایی اندک خوشه‌ی رسیده گندم را به نشانه‌ی ثمره ازدواج خدایان به حاضران نشان می‌داد» (فریزر، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

مجموعه اعمال و آیین‌هایی که برای گذر انجام می‌شود را می‌توان به سه دوره زیر تقسیم کرد:

۱- آیین‌های مخصوص تولد

در مورد آیین‌های مخصوص تولد و کودکی می‌تواند در ایران به چنین آیین‌هایی اشاره کرد: مراسم اذان گفتن در گوش کودک، مراسم نام‌گذاری برای کودک، غسل چهلمین روز، باروری و ماندگاری نوزاد، عقیقه، دندان درآوردن، ختنه‌سوران. اسدیان در پژوهشی که برای آیین‌های گذر در ایران انجام داده، به این آیین‌های اشاره کرده‌است (ر.ک اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۹-۵۳).

۲- آیین دوره بلوغ و ازدواج

اعمال و آیین‌های مختلفی در این دوره انجام می‌شوند که جشن تکلیف، بلوغ و نیز ازدواج مهم‌ترین آن‌ها هستند. در ادامه این مقاله شواهدی از آزمون‌های قبل از ازدواج به عنوان آیین گذر، ذکر خواهد شد.

۳- آیین‌های مخصوص مرگ

شواهد و الگوهای فراوانی برای آیین‌های خاص مرگ در ایران وجود دارد. مانند غسل دادن، لباس آخرت یا کفن پوشاندن، تشییع، تدفین، شب اول قبر، شب سوم، شب هفتم، چهلم، سالگرد و غیره. از نظر انسانی که این مناسک را انجام می‌دهند، شخص از دنیا رفته، با این اعمال، زمان به زمان و دوره به دوره، وارد مرحله جدیدی می‌شود. از نظر اسطوره‌شناسانی چون الیاده، اغلب این مراسم برای این است که انسان بتواند به تقدس برسد و مکان و زمان را مقدس نماید (برای آیین‌های گذر مرگ در ایران، نک. اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۳۲).

۱-۳ آزمون بلوغ و ازدواج

الیاده، میان آشناسازی‌های بلوغ و ورود به جوامع سری تفاوتی قایل شده‌است. او معتقد است: «آیین تشریف به سن بلوغ، بیش از هر چیز نماینده درک و شناخت شهودی امر مقدس است و در جهان مردم ابتدایی، امر مقدس نه تنها به معنی همه چیزهایی است که ما امروز از دین درک می‌کنیم، بلکه ضمناً برابر است با کل مجموعه سنت‌ها و روایات اساطیری و فرهنگی قبیله... از طریق مراسم تشریف و رازآموزی است که فرد داوطلب به ماورای وضعیت طبیعی -وضعیت کودک- عبور می‌کند و به وضعیت فرهنگی وارد می‌شود» (الیاده، ۱۳۹۲: ۲۵). در میان تاجیکان دره زرافشان، هنگامی که در یک خانواده پسری در سن دوازده تا چهارده سالگی می‌رسید، پدر او بابای دهقان و همسایگان را دعوت می‌گرفت و از آنان با غذای گوشت قربانی پذیرایی می‌کرد. پس از آن بابای دهقان به دعا از ارواح حامی می‌خواست که نوجوان را یاری کند. آنگاه داسی به دست پسر می‌داد و این چنین او به پایگاه مردان درمی‌آمد، بار دیگر بابای دهقان دعایی می‌خواند و این بار پسر را بر پشت خویش می‌نشاند (کراسنولسکا، ۱۳۸۲: ۱۵۵). آزمون خواستگاران یکی از آیین‌های پر تکرار ازدواج در جوامع و قبایل کهن بوده‌است. پدر دختر یا خود دختر به شیوه‌های مختلف، عقل و غالباً زور جوانان را می‌سنجیدند و هر کس را که از عهده آزمون یا آزمون‌ها برمی‌آمد،

به دامادی یا همسری برمی‌گزینند. هدف از این کار اطمینان از توانایی خواستگار آینده است (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۲). در اساطیر یونان اینوپيون برای ازدواج دخترش مروپه (نوه دیونیزوس)، به خواستگار دخترش اورپون (شکارچی بلندبالا و بسیار زیبا) می‌گوید اگر بتوانی درندگان جزیره کیوس را بکشی، دخترم را به تو خواهم داد. شرط ازدواجی که اونومائوس برای ازدواج دخترش هیپودامی تعیین کرد، پیروزی بر پدر دختر در مسابقهٔ ارابه‌رانی بود (اسمیت، ۱۳۸۷: ۹۲ و ۳۸۸).

۴- آزمون‌های قبل از ازدواج در متون کهن حماسی بعد از شاهنامه

بنابر مقدمه‌ای که ذکر شد، در تمام یا اغلب جوامع کهن، آیین‌های خاصی برای گذر از مراحل مختلف زندگی از جمله سه مرحلهٔ مهم: تولد، بلوغ و مرگ برگزار می‌شود. یکی از آیین‌های که برای ورود به مرحلهٔ بلوغ و ازدواج انجام می‌شود، آزمون شجاعت، پهلوانی، مردانگی و نیز خرد است که اغلب پدر دختر یا گاه خود دختر از جوان یا جوانان خواستگار به عمل می‌آورد. تنوع این آزمون‌ها بسیار است. در این بخش از متون حماسی بعد از شاهنامه، مثال‌هایی ذکر خواهد شد تا نشان داده شود که این آزمون‌ها در ایران نیز، همانند سایر نقاط جهان، وجود داشته‌است. مجموعاً در متون بررسی شده، هفت آزمون به شرح زیر برای ازدواج گزارش شده‌است.

۴-۱ آزمون برداشتن دختر از روی زین

در بانوگشسپ‌نامه، جیپور، چیپال، رای، مهتران هند به زال نامه می‌نویسند و نوهٔ او یعنی بانوگشسپ را خواستگاری می‌کنند. رستم پدر بانو گشسپ برای خواستگاران هندی شرط تعیین می‌کند که هر کسی دخترش را بتواند از روی زین برآید و به زمین بزند، او می‌تواند بر او مسلط شده و همسرش شود:

هر آن کس که بانو برآید ز زین ز هر مهتری نزد من شد گزین

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

بیامد به پیکار آن نامدار	به جیپور گردید بانو دچار
شدش از بدن جان و پای از رکیب	برو بر یکی نیزه زد پر نهیب
کمر بند او را گرفت و فشرده	به چنگال چیپال را دست برد
بینداخت خوارش به دشت نبرد	از زین برگرفتش به کردار مرد
چو رأی آن چنان دید ز آنجا بجست	یکی کشته گشت و دگر را بخست
هر آن کس که وی را شدی خواستار	ز روم و ز چین و ز ترک و تار
نُبد مرد میدان او هیچ کس	چو با وی به کشتی شدی باز کس

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۱)

هم چنان که از اشعار فوق برمی‌آید، بانوگشسپ، یکی را می‌گیرد و آن دیگری را می‌کشد و خواستگار سوم هم از ترس می‌گریزد و فرار می‌کند.

در بهمن‌نامه، بوراسپ، برای ازدواج دخترش شرط می‌گذارد هر کسی که بتواند سیاه‌پیل زنگی را شکست دهد و نیز دخترش را از روی زین بباندازد، می‌تواند با دخترش ازدواج کند. سرآخر آذربرزین از عهده این کار برمی‌آید و داماد بوراسپ می‌شود (بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۵۱۴).

هم‌چنانکه معلوم است، شرط رستم برای دخترش، ربودن او از روی زین است. بسیار طبیعی می‌نماید که در چنین فضای حماسی-پهلوانی شرطی که برای خواستگار گذاشته شود، شرطی باشد که قدرت جسمانی و یا پهلوانی او را محک بزند. شرط کسی چون رستم که به نوعی مشهورترین پهلوان در حماسه‌های ایرانی است و دخترش نیز به نوعی پهلوان است، نمی‌تواند چیزی غیر از این باشد. تسلسل پهلوانی در خاندان رستم منوط به رعایت آداب پهلوانی است.

«زین» در این دو مثال اخیر می‌تواند نمادی برای شجاعت و پهلوانی باشد. چرا که بیشترین قدرت‌نمایی پهلوان بر روی اسب خودش را نشان می‌دهد، و به نوعی اریکه قدرت پهلوان در متون حماسی زین اسب اوست. هم‌چنانکه اسب هم پهلوان به نوعی نماد قدرت اوست و با گم شدن اسب، قدرت و شهرت نیز از او ساقط می‌شود و به نوعی به خواری و گمنامی می‌رسد. این مسأله قابل مقایسه است با داستان گم شدن اسب رستم در داستان رستم و سهراب که رستم گم شدن اسبش را نوعی حقارت می‌داند: همی گفت کاکنون پیاده‌دوان / کجا پویم از ننگ تیره‌روان. در این جا نیز زین نمادی از داشتن است و جدا کردن از زین نیز به معنای جدا کردن از اریکه قدرت‌نمایی پهلوان است.

۲-۴ آزمون محکم نشستن روی فرش

در جایی از منظومه حماسی بانوگشسپ‌نامه، آزمون دیگری برای ازدواج وجود دارد و این بار خواستگاران ایرانی همچون گیو، طوس، زنگه‌شاوران و دیگران، برای به دست آوردن بانوگشسپ در آزمون شرکت می‌کنند. رستم برای خواستگاران دخترش، بانوگشسپ، آزمون فرش را معین می‌کند. به این صورت که یک فرش بزرگی را در دشتی پهن می‌کند و از خواستگاران می‌خواهد رویش بنشینند و هر کسی بعد از تکاندن فرش، بتواند خود را محکم نگاه دارد و بر زمین نخورد، برنده این آزمون خواهد بود.

همین فرش که افکنده از رنگ و رنگ	که یک میل ره پیش او هست تنگ
بیندازمش بر سر مرغزار	نشانم بر او چارصد نامدار
برافشانمش هر که بر فرش ماند	درخت نشاطش به گیتی نشاند
به دامادیم هست شایسته اوی	بگفتند هر کس که گفתי نکوی

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

رستم وقتی که فرش را می‌تکاند، چهارصد گرد دلیر به یک بار بر زمین می‌افتند و فقط گیو بر روی فرش می‌ماند:

چو بفرشد بر گوشه فرش چنگ
 همان چارصد مرد گُرد دلیر
 بیفتاد ازو ریخت مردان جنگ
 ولی گویو بر جای چون کوه سخت
 فتادند بر خاک و بالا و زیر
 بشد پارهٔ فرش، از سرش جَست
 مگر از زمین رُسته بُد چون درخت
 تهمتن ببوسید روی دلیر
 که از جا نجنبید چون پیل مست
 چو داماد خود خواندش آن نره شیر

(بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۶۸)

همان‌طور که از اشعار برمی‌آید، گیو از بین همهٔ خواستگاران موفق به گذراندن این آزمون می‌شود.

آنچه از این داستان برمی‌آید امتحان قوی جسمانی مردان خواستگار است. رستم خود با یک حرکت فرشی را می‌تکاند که چهارصد گُرد دلیر بر روی آن نشسته‌اند، این فرش بسیار بزرگ است یعنی به تعبیری «یک میل ره پیش او هست تنگ» رستم نمی‌تواند مردی را در خور بانو گشسب ببیند که توانایی جسمانی‌اش در مقابل رستم اندک است. رستم در این داستان ظاهراً خود معیار و الگو یا سنج‌های است برای اندازه‌گیری توان جسمی دیگران. وقتی خودش فرشی را از زیر چهارصد نفر بلند می‌کند، باید انتظار داشت هر یک از این افراد لااقل قدرت کنترل خودشان را داشته باشند.

۳-۴ آزمون کمان‌کشی

گرشاسب در سفر به روم، متوجه می‌شود، شاه روم دختر زیبایی دارد و پدرش برای ازدواج دخترش شرط گذاشته‌است، به این صورت که کمانی به درگاه آویخته‌است که هر کسی بتواند آن را بکشد، دخترش را به او خواهد داد:

بفرمود تا ساخت مرد فسون
 بر آهن ز چوب و سرو کرده کار
 کمانی ز پنجه من آهن فزون
 ز زنجیر بر وی زهی ساختند
 کمان دسته و گوشه عاجین نگار
 به پیمان چنین گفت پیش سپاه
 کشد، گر چه باشد ز هر کس کم آن
 بی‌او بیخت از گوشه بارگاه
 که دامادم آن کس بود کاین کمان

(گرشاسب‌نامه، ۲۱۰-۲۱۲)

گرشاسب پس از شنیدن وصف زیبایی دختر، عاشق او می‌شود. گرشاسب به طرز ناشناس نزد شاه می‌رود و برای کشیدن کمان اعلام آمادگی می‌کند و با این کار مورد تمسخر درباریان قرار می‌گیرد:

جدا هر کسش خیره پنداشتند
 که گنج و سلیح و سپاهت کجاست
 ز گفتار او خنده برداشتند
 اگر دختر شهریارت هواس

(گرشاسب‌نامه، ۲۱۰)

شاه که فکر نمی‌کند گرشاسب، برنده شود، به قصد تفریح شرط او را می‌پذیرد. اما اعلام می‌کند، باخت در این نبرد، مساوی با به دار آویخته شدن است، اما گرشاسب از عهده انجام کار بر می‌آید و پس از آشکار کردن هویتش، با دختر ازدواج می‌کند.

مطابق شواهد داستانی شاید کهنترین و چه بسا مهمترین آزمون ارزیابی قدرت و توان خواستگار «کمان‌کشی» است که احتمالاً پیشینه‌ای هندواروپایی دارد. در این شیوه معمولاً کمان بزرگ و سنگینی که به فرمان پدر دختر ساخته شده و یا از بزرگان و یلان پیشین به یادگار مانده‌است، به خواستگار داده و تا آن را زه کند و بکشد و موفقیت در این کار، شرط ازدواج با دختر است. در روایات پهلوانی ایرانی قدیمترین نمونه این بن‌مایه حماسی در گرشاسپ‌نامه است (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۴-۵).

در طومار نقالی هفت‌لشکر، هم برای خواستگاران بانوگشسپ آزمون کمان‌کشی برگزار می‌شود. کشیدن کمان گران‌نریمان یکی دیگر از شروطی است که در این جا مطرح می‌شود و باز تنها گیو هست که این کار را انجام می‌دهد.

آزمون «کمان‌کشی» برای ازدواج در خود منظومه بانوگشسپ‌نامه نیامده ولی در هفت‌لشکر، چنین روایتی آمده‌است. آیدنلو دلیل این امر را چنین مطرح می‌کند: «جای پرسش است که چرا در منظومه تقریباً کهن بانوگشسپ‌نامه نیامده، اما در طومار نقالی متأخر [هفت‌لشکر] دقیقاً در محل مربوط ذکر شده‌است؟ آیا نقالان در روایت این بخش از سرگذشت دختر رستم از منبع/منابع دیگری غیر از بانوگشسپ‌نامه استفاده کرده‌اند یا اینکه این بن‌مایه داستانی کهن را خود بر داستان ازدواج بانو افزوده‌اند تا شور و صبغه پهلوانی ماجرا را بیشتر کنند» (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۵). آزمون کمان‌کشی برای ازدواج در اساطیر دیگر ملل هم آمده‌است. در اودیسه همسرش شرط می‌کند که از بین خواستگاران بسیارش کسی را به همسری به جای اودیسه برگزیند که توان کشیدن کمان اودیسه را داشته باشد. در رامایانای هندی نیز آزمون ازدواج با سیتا، زه کردن یا شکستن کمان بزرگ مها دیو است که غولان و پریان بسیاری از کشیدن آن در مانده‌اند (ر.ک همان: ۶، و نیز برای آزمون کمان‌کشی قبل از ازدواج نیز ر.ک خوارزمی، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۳).

۴-۴ آزمون گذر از هفت‌خان

در فرامرزنانه، آزمونی که برای ازدواج با آرزو، دختر فرطورتوش، شاه پریان، به فرامرز پیشنهاد می‌شود، گذر از هفت‌خان است. فرامروز در نامه‌ای خطاب به شاه، چنین می‌نویسد که شنیدم که در شبستان خود دختری داری به نام آروز و من مایل به ازدواج با او هستم:

شنیدم که اندر شبستان تو پس پرده خوب‌رویای تو
یکی ماهروی است نام آرزوی مرا خاست در دل بسی آرزوی
به من ده به آیین، تو آن ماه را نگار سمن بوی دلخواه را

(فرامرزنانه، ۱۳۹۵: ۳۸۶)

فرطورتوش این پیشنهاد را بار بزرگان و نامداران خویش در میان می‌گذارد و از آن جواب می‌شنود که بهترین کار این است که آزمونی برای خواستگار برگزار کند:

چو خواهی که او را به هر نیک و بد
ببینی نکو آزمایش کنی
بسازند پتیاره پیش سپاه
جوان سرافراز با دستبرد
به فر و به مردی و زور و هنر
سزای ستایش بود بی گمان
به مردی و رادی و فرّ و خرد
همان آزمون را فزایش کنی

(فرامرنامه، ۱۳۹۵: ۳۹۱)

فرامرز وارد خان می‌شود. در خان اول شیران را، در خان دوم گرگان را و در خان سوم، گول را می‌کشد. در خان چهارم، پنجم و ششم درگیر سرما، گرما و کشتن کرگدن می‌شود و در خان هفتم فرامرز اژدها را می‌کشد:

چو آنجا به تنگ اندر آمد دلیر
بغرید مرد جوان همچو شیر
چو بشنید آواز او اژدها
خروشان به کردار باد از هوا
کشید از میان خنجر آبگون
بزد تیغ و انداختش سرنگون

(فرامرنامه، ۱۳۹۵: ۴۱۲-۴۱۳)

وزیر فرطورتوش متوجه می‌شود که فرامرز همه موانع را پشت سر گذاشته است، به شاه پریان، می‌گوید که «بهانه نمانده است، از هیچ روی» (منبع؟) و باید نظر نهایی را اعلام کنید. فرطورتوش دستور می‌دهد طالع‌بینان و منجمان بخت او را رصد کنند و سپس اجازه وصلت با دختر خودش را به فرامرز می‌دهد:

ستاره شمر رفت و طالع بدید
از آن خرمی لب به دندان گزید
بیامد به نزدیک خسرو بگفت
که دخترت با نیک‌بخت است جفت
از این دختر و شاه و از پهلوان
یکی گرد پیدا شود در جهان

(فرامرنامه: ۱۳۹۵: ۴۲۰-۴۲۱)

گذر از هفت‌خان به نوعی به معنای راه پیدا کردن به سرزمین بیگانه یا دشمن است. زمانی که قهرمان مجبور باشد، برای نجات شخصی که در دست دشمن اسیر است، اقدامی کند، مجبور است سلسله کارهایی انجام دهد که نمونه‌اش در حماسه ملی ایران، هفت‌خان رستم و هفت‌خان اسفندیار است. موضوع هر دو داستان تقریباً یکی است و آن رهایی کسی از دست دشمن است (ر.ک خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۵). در فرامرنامه وقتی فرامرز وقتی به خان هفتم می‌رسد، اژدها را می‌کشد، و به دختر شاه فرطورتوش دست می‌یابد. در این داستان اژدها به نوعی دشمن یا اهریمنی است که با کشتن او شخصیت در حصار شده (دختر شاه) آزاد شده و با قهرمان ازدواج می‌کند.

۵-۴ آزمون چوگان باختن با دختر

در بهمن‌نامه، بهمن که پادشاهی خود را از دست داده به مصر می‌رود و در آنجا، در یک مراسم سالیانه چوگان‌بازی، با همای، دختر نصرحارث، پادشاه مصر، آشنا می‌شود. همای در چوگان باختن، بسیاری از دلاوران و پهلوانان را شکست داده‌است. بهمن به طور ناشناس، پس از شنیدن و دیدن چوگان‌بازی همای، می‌خواهد با او به مبارزه برخیزد. پادشاه با این کار موافقت می‌کند و از بهمن می‌خواهد برای خود نیزه و اسبی برگزیند. نصرحارث، در آغاز تلاش می‌کند با دادن اسبی ضعیف به بهمن، موجبات شکست او را فراهم کند، اما سالار آخور به رغم این هشدار شاه، اسبی گزیده به او بهمن می‌دهد.

همای وقتی تصمیم به چوگان بازی با بهمن می‌گیرد، شاه او را از این کار منصرف می‌کند و می‌گوید:

به او شاه گفتا که خیره مگوی تو بیگانه‌ای گرد این ره می‌پوی
 مرا صد هزاران سوارست گرد کس او را ز پشت تکاور نبرد
 گرت آرزوی آید ای شیر مرد یکی بر گرایش به گاه نبرد

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۱۲۰)

همای حرف پدرش را باور ندارد و تصمیم به مبارزه با بهمن می‌گیرد.

بدو گفت دختر که ای شهریار که باشد به گیتی مرا پایدار
 ببینی تو فردا که آن یافه گوی چگونه به خاک اندر آیدش روی

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۱۲۱-۱۲۲)

بهمن و همای پس از رجزخوانی‌های فراوان، مبارزه را آغاز می‌کنند. با آنکه مبارزه برای بهمن سخت است و چندین بار به مرز شکست نزدیک می‌شود، در نهایت همای را شکست می‌دهد. با فاش شدن راز بهمن، او تصمیم می‌گیرد با پارس که از اول همراهش بود، فرار کند. شاه مصر همای را با لشکری دنبال آنان روانه می‌کند. همای و بهمن باز هم رجزخوانی‌هایی می‌کنند، سرانجام همای شکست می‌خورد و پس از آن از بهمن درخواست ازدواج می‌کند.

در کوش‌نامه، دوست آبتین، فرع، از زیبایی دختران بسیلا با وی سخن می‌گوید و آبتین جهت جلب رضایت طیهور شاه، پدر فرارنگ به پیش ایشان می‌رود. قرار بر آن می‌شود که با هم چوگان بازی کنند. مسابقه برقرار می‌شود، آبتین برنده می‌شود و فرارنگ دختر طیهور شاه را به عقد خود در می‌آورد (کوش‌نامه ۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱).

آزمون زورآزمایی پهلوان برای سنجیدن قدرت و مردانگی او یکی دیگر از آزمون‌هایی است که نمونه آن در حماسه ملی آمده است (ر.ک خوارزمی، ۱۳۹۴: ۴۲). این آزمون همچون کمان کشیدن و یا ربایش از روی اسب و یا کشیدن فرش از زیر پهلوانان است. پیروزی در بازی چوگان و تصاحب گوی در میدان نبرد، همچون تصاحب کشور/زمین/همسری است که قهرمان با شجاعت و مردانگی خود به آن رسیده است. پیروز به در آمدن از میدان بازی، را می‌توان به مثابه پیروز برگشتن از میدان جنگ و تصاحب کشور و رسیدن به شهربانوی یک کشور دانست.

۶-۴ آزمون شکست دادن دشمن یا پهلوانی بیگانه

یکی دیگر از آزمون‌های قبل از ازدواج که در متون حماسی بعد از شاهنامه گزارش شده‌است، آزمون شکست دادن یک پهلوان، یا مهمترین پهلوان از سپاه دشمن است. در تعدادی از منظومه‌ها، پیروزی بر پهلوان شکست‌ناپذیر به نوعی شرط ازدواج با دختر پادشاه است. در شهریارنامه ارژنگ شاه بعد از گم شدن شه‌ریار پهلوان از میان لشکرش، بخاطر هراس از آگاهی یافتن دشمنش هیتال شاه از این خبر، از دیگر پهلوانان نامدار، عاس کینه‌جو را نزد خود فرا می‌خواند و وعده دختر هیتال را در قبال آوردن سر شاه هیتال به وی می‌دهد؛

بدو گفت کای گرد والا نسب ز من دخت هیتال کردی طلب

سپارم به تو دختر و کشورش بدان گه که از تن بیرم سرش

بیاری برم گر سر شاه را سپارم به تو کشور و ماه را

(شهریارنامه، ۱۳۹۷: ۲۴۷)

سپهدار گفتا که ای نامدار برون آوری گر مرا زین حصار

چو بردارم از کینه کوپال را سپارم به تو دخت توپال را

(شهریارنامه، ۱۳۹۷: ۳۰۵)

فرامرز را گفت کای نامدار مرا بود پیمان بر کردگار

که هر نامداری ز نام‌آوران چه از تاج‌دار و چه از کهتران

ببرد پی دیو از کشورم سپارم بدو نامور دخترم

(شهریارنامه، ۱۳۹۷: ۵۶۸)

در منظومه برزونامه، افراسیاب به بروز می‌گوید اگر با پهلوان ایرانی مبارزه کند و او را شکست دهد، هم دخترش و هم کشورش (شهریاری کشورش) را به او می‌دهد:

چو افراسیاب این ز برزو شنید به کردار غنچه همی بشکفید

بدو گفت کای مرد په‌او نژاد زمانه ز نیکیت هم نیک داد

بیابی ز من دولت و کام تو به شاهی کشد پس سرانجام تو

همان کشور و دخترم ان توست همه لشکر من به فرمان توست

یکی مرد از ایران پدید آمده‌ست که بند یلان را کلید آمده‌ست

یکی رخس دارد به زیر اندرون به بیشه ز شیران روان کرده خون

کنون گرتو با او نبرد آوری سر نامور را به گرد آوری

تورا باشد این لشکر و بوم و بر ز دریای چین تا به مرز خزر

(برزونامه، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱)

در بهمن‌نامه، بوراسپ، برای ازدواج دخترش شرط می‌گذارد هر کسی که بتواند سیاه‌پیل زنگی را شکست دهد، می‌تواند با دخترش ازدواج کند. سرآخر آذربرزین از عهده این کار برمی‌آید و داماد بوراسپ می‌شود:

همانگه بوراسب آواز داد	که ای نامداران فرخ‌نژاد
به میدان شوید از پی کام و نام	کجا نام نیکو رساند به کام
هر آنکو به کشتی کند دست پیش	بلای سیه باز دارد ز خویش
همانگه بدو بخشمش ناگزیر	نه کابین بخواهم نه پیمان شیر

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۵۱۶)

به میدان شد آن دختر خوبچهر	سری پر زکین و دلی پر ز مهر
سپهبد برآشت از روزگار	چو باد اندر آمد به فرجام کار
یکی نیزه زد بر میانش ز کین	ز زینش برآورد و زد بر زمین

(بهمن‌نامه، ۱۳۷۰: ۵۱۹)

تعداد زیادی از قهرمان‌ها حماسه‌ها در صورت‌های گوناگون با پشت سر نهادن آزمون‌هایی به ازدواج خارج از ملت کشور خود تن می‌دهند. یکی از انگیزه‌هایی قهرمانان در ازدواج برون همسری، به دست آوردن نیرویی برای مقابله با دشمن یا اهریمن است. خوارزمی (۱۳۹۴) با بررسی نمونه‌هایی به این نتیجه رسیده است که دلیل رفتن به کشور بیگانه برای ازدواج این است که برخی خدایان موجوداتی آسیب‌ناپذیرند و فقط با ابزار خودشان می‌شود بر آنها غلبه کرد. در اصل داستانی حکم از این قرار است که برای از بین بردن شر، باید نیرویی هم از طرف اهریمنی وجود داشته باشد. این نیرو با ازدواج به نوه‌های اهریمنان منتقل می‌شود و با ازدواج می‌توان به این نیرو رسید.

۷-۴ آزمون کشتن اژدها

در روایتی که از برزنامه در هفت‌لشکر آمده است، برزو نواده رستم و پسر سهراب، عاشق حوری‌لقا دختر پادشاه خوارزم می‌شود. شاه خوارزم کشتن اژدهایی را شرط ازدواج با دخترش قرار می‌دهد. سرانجام برزو اژدها را می‌کشد و به وصال شاهزاده خوارزم می‌رسد:

«ناگاه چشم برزو بر آن دختر افتاد، هوش و آرام از او برفت، رنگ رویش زرد شد، دختر برفت و دروازه‌بان بیامد، ... دروازه‌بان گفت دانستم که چه حال داری، اما این خیال از سر به در کن که محالست، چرا که آن دختر پادشاه است... چند شاه و شهریار را هوای آن دختر در سر افتاده است و به خواستگاری آمده‌اند، به جهت آنکه شرطی دارد و هیچ کس از عهده آن شرط بر نمی‌آید. برزو گفت هر شرط که دارد به عون الهی برآرم» هفت‌لشکر، ۳۱۱-۳۱۲. بروز متوجه می‌شود که شرط از بین بردن اژدهایی است که در کوه سیاه است و بخاطر آن ده فرسنگ در ده فرسنگ هیچ گیاهی در آنجا نمی‌روید.

«در شاهنامه قیصر روم که از ازدواج دختر مهترش، کتایون، با گشتاسپ، ناخشنود است، برای ازدواج دختر دیگرش شرط تعیین می‌کند و آن کشتن گرگ بیشه فاسقون و اژدهای کوه سقیلاست (خالقی: ۱۵/ ۲۴-۳۱۰-۲۱۳)، پرسش سرو، فرمانروای یمن، از پسران فریدون (خالقی: ۱/ ۱۰۰ و ۱۸۲/ ۱۰۱-۱۹۲) که خواستگار دختران اویند، ظاهراً امتحان تیزهوشی جوانان است و پس از پاسخ درست پسران، سرو «مهین را به مه داد و که را به که»، پرسش موبدان از زال و هنرنمایی رزمی او در پیشگاه فریدون نیز می‌تواند از آزمون‌های ازدواج باشد و پس از موفقیت زال در این دو آزمایش خرد و پهلوانی است که منوچهر موافقت رسمی خود را برای پیوند او با رودابه اعلام می‌کند (ر.ک خالقی، ۱/ ۲۴۷-۲۵۶ / ۱۲۱۹-۱۳۲۶)» (همان).

غلبه بر اژدها یکی از آزمون‌هایی است که در شاهنامه هم مواردی از آن وجود دارد (خوارزمی، ۱۳۹۴: ۳۸). گشتاسب با هیشوی آشنا می‌شود هیشوی و کدخدا رابط و حامی خوبی برای گشتاسب هستند و با حوادثی که پیش می‌آید، واسطه‌آشنایی با دامادهای جدید شاه می‌شوند. قیصر برای آزمون داماد آینده خود مبارزه با اژدها و گرگ را پیشنهاد می‌کند. بهرام گور نیز برای رسیدن به دختر شاه به آزمون کشتن اژدها تن می‌دهد.

در کوش‌نامه فرع دوست آبتین از زیبایی دختران بسیلا بر وی سخن می‌گوید و آبتین جهت جلب رضایت طیهورشاه، پدر فرارنگ، به محضرش رسیده و از مسابقه گوی زدن خود با شاه سخن به میان می‌آورد مسابقه اجرا می‌گردد. آبتین برنده می‌شود سپس از دانش و دین با شاه سخن می‌گوید و بعد از چند روز دوست دیگرش کامداد را به خواستگاری فرارنگ از طیهورشاه می‌فرستد با توجه به اصالت آبتین با پیوندشان موافقت می‌کند.

اژدهاکشی از دیرباز در ایران رسمی رایج بین پهلوانان بوده‌است. بزرگ‌ترین اژدها کشی که از روزگار قدیم در ایران معروف بوده، فرامرز بن رستم است که در هند به یاری بیژن اژدهایی به نام مارچوشا را می‌کشد:

کشید از میان خنجر آبگون بزد تیغ و انداختش سرنگون

(فرامزنامه، ۱۳۹۵: ۴۱۲-۴۱۳)

کشتن هر اژدهایی پاداشی دارد. همچنانکه رستم و اسفندیار در کشتن اژدها در هفت‌خان خود، پاداش خود را نجات ایران می‌دانند. در سایر حماسه‌ها نیز قهرمانان با کشتن اژدها با پاداشی می‌رسند. گاه قصد قهرمان از کشتن قهرمان رسیدن به پاداش یا جایزه‌ای است که شاه تعیین کرده‌است و در نمونه‌های ذکر شده رسیدن به دختر شاه پاداش کشتن اژدها است. رستگار فسایی (۱۳۷۹: ۲۵۹) در پژوهشی به اژدها در اساطیر پرداخته و به پاداش‌های قهرمانان برای کشتن اژدها اشاره کرده است.

از مقایسه متون حماسی کهن ایران (چه شاهنامه و چه بعد از شاهنامه) با نمونه‌های مشابه آن در سراسر جهان، چنین برمی‌آید که بین آیین‌های جوامع مختلف، همانندی‌هایی وجود دارد. گزارش‌های مردم‌شناسان و اسطوره‌شناسانی همچون فریز و الیاده، نشان می‌دهد در بین جوامع مختلف برای ورود به دوره بلوغ و نیز ازدواج آیین‌هایی برگزار می‌شود. در این پژوهش فقط به آیین‌های قبل از ازدواج اشاره شد. نتیجه بحث نشان می‌دهد در متون حماسی ایران نیز برای سنجیدن خرد، مردانگی، شجاعت و نیز قدرت بدنی پهلوانان و جوانان خواستگار ازدواج، آزمون‌های مختلفی برگزار می‌شود که مشابه آن در سایر ملل نیز گزارش شده‌است. هفت آزمون قبل از ازدواج در این پژوهش بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در اغلب این آزمون‌ها آنچه مهم است آزمایش توان جسمی و نیروی پهلوانی قهرمان است. آزمون‌هایی که بررسی شد هر کدام به طور نمادین در بردارنده مفاهیمی هستند که در حماسه‌های مختلفی نمونه‌هایی از آن آمده است. به‌عنوان نمونه، اژدها، را می‌توان سمبل هرج و مرج، ظلم، خشکی، بی‌بارانی، دشمنی حقیقت، جهل و غیره دانست. عبور از آزمون‌های قبل از ازدواج را می‌توان با آیین‌های گذر و آشناسازی مقایسه کرد و دلیلش آن است که با گذر قهرمان یا خواستگار از این مرحله، یک وادی تازه‌ای جلوی او گشوده شده و به سرزمین/ کشور/ دختر تازه‌ای دست پیدا می‌کند.

منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۷). «چند بُن‌مایه و آیین مهم "ازدواج" در ادب حماسی ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۶۰، صص ۱-۲۳.
- اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی‌بن‌احمد. (۱۳۹۸). *گرشاسب‌نامه*، به تصحیح حبیب یغمائی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- اسدیان، محمد. (۱۳۸۴). *آیین‌های گذر در ایران، بررسی تطبیقی آیین‌های ایرانی در حوزه فرهنگی و جغرافیایی*، تهران: روشنان.
- افشاری، مهران، مدائینی، مهدی. (۱۳۷۷). *هفت لشکر (طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). *مقدس، نامقدس، ترجمه نظرالله زنگویی*، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). *اسطوره بازگشت جاودانه*، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران: قطره.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۲). *آیین‌ها و نمادهای تشرف، اسرار تولد و تولد دوباره*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: مروارید.
- ایران‌شاه، ابن‌ابی‌الخیر. (۱۳۷۷). *کوش‌نامه*، تهران: انتشارات علمی.

ایران‌شاه، ابن‌ابی‌الخیر. (۱۳۷۰). *بهمن‌نامه*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

توسلی، محمد مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی آیین‌های گذر در ایران و هند؛ مطالعه موردی: تولد و مرگ»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۷-۲۴.

جهازی، ناهید. (۱۳۹۸). *آئین‌ها و نمادهای تشرّف و رازورزی در افسانه‌های ایرانی*، تهران: بهین.

حسینی، افراسیاب، بهمنی، نسرین. (۱۳۹۴). «زمینه‌های برون‌همسری در ایران باستان براساس شاهنامه فردوسی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۷، صص ۱۲۳-۱۳۶.

خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۹۰). «هفت‌خان رستم»، *فردوسی و شاهنامه*، به مناسبت همایش بین‌المللی هزاره شاهنامه فردوسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

خوارزمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «یکی از ژرف‌ساخت‌های آزمون همسرگزینی در حماسه ملی و بن‌مایه برون‌همسری»، *ادبیات حماسی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۹-۵۲.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۷). *اژدها در اساطیر*، تهران: توس.

روزنبرگ، دونا. (۱۳۸۰). *اسطوره‌های یونان*، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، مشهد: ترانه.

ژوئل، اسمیت. (۱۳۸۷). *فرهنگ اساطیر یونان و روم*، ترجمه شهلا برادران خسروشاهی، تهران: فرهنگ معاصر.

ستاری، رضا و حقیقی مرضیه. (۱۳۹۵). «ژرف‌ساخت اسطوره پدرسالاری در ازدواج‌های ایرانیان با نیرانیان در شاهنامه»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۲، شماره ۴۲، صص ۱۰۷-۱۵۱.

فریزر، جمیز جرج. (۱۳۸۲). *شاخه زرین پژوهشی در جادو و دین*، ویرایش و مقدمه رابرت فریزر، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.

کراچی، روح‌انگیز. (۱۳۹۳). *بانوگشسب‌نامه*، به تصحیح روح‌انگیز کراچی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کوسج، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۷). *برزنامه*، به تحقیق و تصحیح اکبر نحوی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

کیکاووس، خسرو. (۱۳۹۵). *فرامرزننامه*، به تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

کراسنو ولسکا، آنا. (۱۳۸۲). چند چهره کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی، ترجمه ژاله متحدین، تهران: نشر ورجاوند.

لوی اشتراوس. (۱۳۷۶). *اسطوره و معنا*، ترجمه شهرام خسروی، تهران: نشر مرکز.

لوی اشتراوس. (۱۳۹۰). *اسطوره و تفکر مدرن*، مترجمان: فاضل لاریجانی، علی جهان‌پولاد، ناشر: فرزانه روز، ۱۳۹۰.

لوی اشتراوس. (۱۳۹۷). *توتمیسم*، ترجمه: مسعود راد، تهران: نشر توس.

مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۹۷). *شهریارنامه*، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، با همکاری انتشارات سخن.

نصیری، جبار، طغیانی، اسحاق. (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل نمود مراسم آشناسازی در حماسهٔ برزنامه»، دو فصلنامهٔ ادبیات پهلوانی، سال ۴، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۶۴.

ورزقانی، نوذر. (۱۳۸۵). «بازتاب آیین راه و رسم آموزشی جوامع باستانی در فرهنگ کهن ایران»، نامهٔ انسان‌شناسی، شماره ۹، صص ۱۷۸-۲۰۰.

هینلز، جان. (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمهٔ ژاله آموزگار - احمد تفضلی، کتاب‌سرای بابل، نشر چشمه.

حسینی، افراسیاب و بهمنی نسرین. (۱۳۹۴). «زمینه‌های برون همسری در ایران باستان بر اساس شاهنامهٔ فردوسی»، زن در فرهنگ و هنر، دورهٔ هفتم، شمارهٔ یک، صص ۱۲۳-۱۳۶.

